



۲۰۱۳/۰۳/۱۷

عبدالحكيم سامع

برادری «بنیادگرایی» در افغانستان!

در قریب هژده سالیکه قبل از نشر این مطلب سپری شده، انکشافات بغرنج در جهان و در کشور ما رخ داده است. استقبال وسیع مردم از «پیشروی» طالبان در مرحله اول بروز آنها در سال ۱۹۹۴م، واقعاً امید مردم خسته از جنگ، از آنها، در امر ختم جنگ و برقراری صلح، بمثابة یک امر مبرم بوده است. سالهای بعد نشان داد که رهبری آنها مردم ما را یا درک ننموده بودند و یا نمی خواستند درک کنند. صرنظر از آنچه بسیاری از اندیشمندان درحال حاضر برین عقیده اند، که «مهرة» نام نهاد، «ملا محمد عمر»، که در مرحله اول از وی بعنوان «امیرالمؤمنین» یاد کرده اند و در برابر «کامره عکاسی» دیده نشده است، اقل در مرحله دوم، «دوباره ظهور جنگی های طالب» وجود خارجی ندارد. بعبارت دیگر، سیاست ایکه، تحت نام او به پیش برده می شود، از این «ملا محمد عمر» نمی دانند. وقتی می گوئیم، «وجود خارجی ندارد»، هدف اینست که نقش رهبری این سیاست از آن او نیست. البته فرضیه ایست به احتمال قوی نزدیک به حقیقت.



پس از سال ۲۰۰۳م، «رحیم الله یوسفزی»، گزارشگر «بی. بی. سی.»، درست دو سال بعد از سقوط، «طالبان» از دوباره حضور آنها در صحنه جنگ، که به عملیات های «گوریلائی» علیه قوای خارجی، آغاز نموده اند، نام می برد. در آغاز همین گزارش خود می نویسد: «با براه انداختن عملیات «گوریلائی» علیه قوای ائتلاف تحت رهبری امریکا، کارگران کمکی را بقتل می رسانند، خارجیانی

عکس ملا عمر، در گزارش بی. بی. سی.

را که مشغول اعمار مجدد اند، اختطاف می نمایند.» (۱۶ دسمبر ۲۰۰۳م، «بی. بی. سی.»، تحت عنوان «طالبان کیانند؟»). «ملا محمد عمر» و «جنبش طالبان»، تحت رهبری او با مشی خلاف خواست مردم، اعتبار خود را چه در جامعه و چه در عرصه بین المللی از دست دادند. حال به لحظات چند و نقش بعضی از چهره ها و وقایع، که محصول شمه ای از نقش ملاها و جنگ سالاران، بطور نمونه شمرده می شود، نظر می اندازیم:

همه میدانیم که درین زمان برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود، از آغاز سال ۱۹۹۲م وارد کابل شده، حکومت می نمودند. بعلت عدم قابلیت و عدم توافق بر قدرت، بدترین روز هایی را بر مردم افغانستان، در قدم اول بر کابل پایتخت کشور روا داشتند. این دو شخص در صف عاملین، «محرکین» و بعبارت دیگر مسئولین اصلی «جنگ داخلی» ده ساله اولی، محسوب می گردند. بعد ازینکه عبدالرسول سیاف، «وهابی»، بکمک «هم مسلک خود» برهان الدین ربانی، «رهبر جمعیت اسلامی»، سابق «مدرسین» پوهنخی شرعیات کابل و شاگردان پوهنتون «الازهر؟» مصر، بیاری «احمد شاه مسعود، آمر شورای نظار» و گلبدین حکمتیار، در مطابقت با مشی «رقابت آمیز» «آیت الله های شیعه ایران»، با «مشی» سعودی های «وهابی» و «سنی های افراطی»، بخصوص احزاب بنیادگرای افراطی پاکستان، در غرب کابل، با «جنگی های حزب وحدت» به مقابله آغاز نموده، پس از وقفه معین، شخص «برهان الدین ربانی» و «احمد شاه مسعود»، به تصفیة حساب با «حزب وحدت» در «چنداول» کابل و سایر محلات شهر نیز پرداختند.

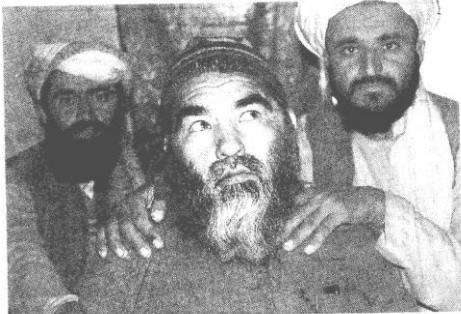
احمد شاه مسعود، در همین سال ۱۹۹۵م، با استفاده از تحصیلات «شیطانی» و «تخریبی» تروریستی و توطئه های «تاکتیکی» جنگی، که در شرق میانه آموخته بود، با «ملا های رهبری» قوای «طالبان»، که از سمت جنوب و شرق بسوی کابل پیشروی می نمودند، قرار گذاشت، تا بتوانند، مواضع «حزب وحدت» را در غرب کابل، واقع

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې ښي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

در «دشت برچی و قلعه شاده» اشغال نمایند. مردم چشم‌دیده خود را حکایت نموده اند، که درین مقطع زمانی، قوای «توپچی» احمد شاه مسعود، از قلعه های کوه، بر مواضع «حزب وحدت» آتش می گشوده اند. اینراهم باید فراموش ننمائیم که در همین زمان، هیئتی متشکل از «ملا های» افراطی پاکستانی، در کابل مهمان برهان الدین ربانی و سایر «ملا ها» و قوماندان ها بوده اند. در همان روز هاست، که «عبدالعلی مزاری» رهبر ملیشه های طرفدار ایران، «حزب وحدت»، توسط افراد «طالب» اسیر گرفته می شود. قرار گزارش «زیود دویچه سایتونگ»، چاپ آلمان، طوریکه در پای همین عکس می خوانیم: «دو روز بعد مزاری «در یک تلاش فرار» به ضرب مرمی کشته شد.



DAS LETZTE PHOTO vom Führer der proiranischen Schiiten-Miliz Hezb-i-Wahdat, Abdul Ali Masari, flankiert von Wächtern der islamistischen Taliban. Zwei Tage später wurde Masari „bei einem Fluchtversuch“ erschossen. Reuters

از آغاز دهه نود قرن بیست، در مدت نزدیک به سه سال توانستند، این برادران «مؤمن»، «جنگی های راه خدا»، شهر زیبای کابل را به خرابه مبدل سازند و زندگی ده ها هزار باشنده بی گناه کابل ما را از آنها بگیرند. گلبدین حکمتیار که خود با پیشروی طالبان، سه سال بعد از ورود قوای تنظیم های «مجاهدین» به کابل و سایر شهر ها، بطور منظم جای خالی نموده، فرار را بر قرار ترجیح داد، بدون شک مطابق به هدایات

و اوامر «آی. اس. آی.» پاکستان باید، صورت گرفته باشد. متعاقباً، مکرراً تغییر «جبهه» داده، دوباره با برادران «اخوانی» خود و با «ملاهای ملایان، چون ملا برهان الدین ربانی (که از جانب پیروانش بنا بر خصوصیات ذاتی و مشی سیاسی او، به او لقب «استاد» تحفه داده بودند) و ملا عبدالرسول سیاف «وهابی»، عضو ارتباطی «استخبارات سعودی» و غیره پیوست.

ملا های سیاسی همیشه ملا نبوده اند و غیر ملاها هم غیر ملا نبوده اند. بدین معنی که در قطار آنها، باخاطر منافع و موقف سیاسی، تغییر عقیده هم هر لحظه ممکن بوده است. بهمین علت است که مردم این کشور غمزده، از مدت ها، محروم و فقیر از اساسات زندگی اند، اما در داشتن «جنگ سالار» و «ملاهای فتوا دهنده» بطور کامل غنی شمرده میشود. «یک بار جنگ سالار، همیشه جنگ سالار، چه ملا جنگ سالار و چه جنرال جنگ سالار»، فقط باید «معاش»، تضمین باشد. وقتی بعنوان مثال، خبر همین گروه مسلح «طالب» در نزدیکی کابل بگوش «استاد ملاها» برهان الدین ربانی و «تروریست» تربیه شده سازمانهای «تروریستی» «الجهاد» و سازمانهای «افراطی - اسلامیستی» در شرق میانه، «احمد شاه مسعود» میرسد، طوریکه از عکس العمل بعدی آنها روشن گردید، با خشم و غضب و عدم تفاهم با تصامیم برادران «اخوانی پاکستانی» و سعودی آنها، مجبور به «عقب نشینی» از کابل شدند، حتی ممکن پلان «اخوان المسلمین بین المللی» بوده باشد. اما آنچه در اختیار داشتند، اموال منقول دولتی و دارائی های مردم را با خود بردند، مسعود را در «دره پنجشیر» «آمر» ساختند، تا به گارگاه های «تصفیه لاجورد و زمرّد» و فروش آن از طریق وابستگان او در قدم اول در پیشاور و دوی (خسربره احمد شاه مسعود) (برادرش احمد ولی در لندن) تولیدات معادن «پنجشیر» و بدخشان را سازمان دهد. «برهان الدین ربانی» را پس از فرار از کابل، در حقیقت بحیث رئیس جمهور «فیض آباد» مقرر داشتند.

تا آنزمان اثری از موجودیت «پسر» برهان الدین ربانی، در عرصه سیاسی - اجتماعی، شنیده نمی شد. بغیر از داماد برهان الدین ربانی، که یکی از برادران مسعود حکایت می شد، دیگر شنیده نمی شد. پس از کشته شدن برهان الدین ربانی (۲۰۱۱م) توسط «برادران انتحاری خودش»، پسر او «صلاح الدین» معرفی گردید. متعاقباً جانشین «پدر» شد. اینکه چه وقت برای پسر برهان الدین ربانی، «میراث کامل» پدرش را بشمول «القاب استادی و ملائی» طی مراسم تفویض خواهند شد، تا اکنون اطلاعی در دست نیست. البته چوکی های عمده را اشغال نموده است. در عین زمان از همکاران نزدیک «احمد شاه مسعود پکول پوش»، تقریباً هیچ خبری شنیده نمی شد. از جمله آنها شخصی را بنام «امراالله صالح» نام میبرند. او خود را «متخصص امنیت» می شمارد، زیرا در خدمت احمد شاه مسعود، «زیاد» آموخته است. مسعود را «اجنت» «کثیر الملک» نیز یاد کرده اند. امرالله صالح مدت شش سال (۲۰۰۴م الی ۲۰۱۰م)، بحیث مسئول اداره امنیت، در حاکمیت، رئیس جمهور حامد کرزی ایفای وظیفه نموده است... ممکن است، شاگرد ملا، به موافقه ملا، غیر ملا شده باشد. حال شب و روز حتی بر ضد

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

«شاگردان» استاد خود، به تبلیغ می پردازد. «طیاره حامل» هیئت سودانی، در قطار اولین «هیئت» های اسلامی بوده است، که حتماً بکمک و اقلأ توصیه «برادر آنها»، «اوساما»، اموالی را در میدان هوایی کابل با خود آوردند، که «بل» آنرا «برادر های سعودی» آنها، پرداخته بودند. اینکه بیست سال قبل این شخص در چه مقام بوده است، معلوم نیست. ولی در لیست «صاحبان امتیاز» ثبت است، زیرا اگر در «جهاد شهرت» بدست نیاورده است، «امر» را «قربانی» داده است. حال همه مستحق تقسیم «تقاعد» احمد شاه مسعود، بین همدیگر اند.

صرفنظر از اینکه این شخص حد اعظمی تبلیغات ضد حکومتی را براه انداخته است، آب به آسیاب شایعات تشویش آور می ریزد، احتمال دارد که از منابع اطلاعاتی «امنیت دولتی» به ارتباط به و وظیفه سابق خود، استفاده سوء نماید. در بحران بیش از سه و نیم دهه در کشور ما، تولیدات «ماشینی» القاب در دو بخش، نمودی بیشتر داشته است. یکی «جنرالان ماشینی» از طریق «کورس های مستعجل» و دومی «ملا های ماشینی»، فارغ «مدارس دینی» در پاکستان و مناطق قبایلی.

آنچه اخبار غیر حقیقی در باره «متحدان شیعه» «برهان الدین ربانی سنی» و «عبدالرسول سیاف «وهابی»» تا حدی روشن بوده است، عبارت از «وحدت هشتگانه» در تحت نام «حزب وحدت»، که در تحت فشار استخبارات آیت الله های «ایران» به انجام رسید.

ملا برهان الدین ربانی که در سال ۱۹۹۲م لاف «پیروزی» بر قدرت بزرگ جهان، یا «کمونیسم شوروی» می زد و «فرو ریختن دیوار برلین» را نتیجه مبارزات خود می دانست، بعد از قریب یک دهه «جنگ داخلی» بین خود آنها، بر سر قدرت، در یک «خیمه» ساخت آلمان واحد، اشتراک در «لویه جرگه» را بجای «شورای حل العقد» «آموخت»، که ده سال قبل تدویر نمود. وقتی در سال ۱۹۹۲م وارد کابل شدند، مقرراتی را که در باره «لباس» زنان، در تلویزون تحت «اشغال» آنها، به نمایش می گذاشتند، وحشتناک بوده است. لیکن، قریب ده سال بعد از آن، در تحت رهبری گروه دیگری از قدرت های «پیرو» ادیان «آسمانی»، مجبور بوده اند، تا اشتراک «زنان» را در لویه جرگه، خلاف خواست، در یک «سالون» تحمل نمایند.

در جریان بیش از ده سالیکه از اداره پس از سقوط «طالبان»، بعد از «کنفرانس بن» می گذرد، از درون «متحدان کنفرانس بن»، که عمدتاً «چهار گروه»، اداره جدید را، در تحت حمایت مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بدوش گرفتند، تلاش هائی صورت گرفته است، تا برای «دیموکراسی وارده»، «اپوزیسیون تصنعی» را ایجاد نمایند. آنچه ممکن خیلی «خنده آور» هم باشد اینست، که اصطلاح «جبهه ملی» را، بعد از ویرانی کشور و متفرق ساختن توده های مردم، که بیش از پنجاه سال، هیچ یکی از سابقه داران این محافل، اصول آنرا نیاموخته و یا توجه نمی نموده اند، در «آستانه» «خروج نیرو های» خارجی، باز در تحت آن نام، در برابر عکاسان «میدیا ها» لباس «جالب» طبق میل خود را می پوشند.

بجز «جنرال عبدالرشید دوستم»، دیگران همه، «تخفیف قیمت» در درازی ریش خود ها وارد آورده اند. جالب است، که از جمله پنج نفر، سه آن اعضای «جمعیت اسلامی» و همچنان «شایع» است که این سه نفر هم «شوق» ریاست جمهوری دارند. استاد آنها، «ملا برهان الدین ربانی» «میراث بزرگ» بجای مانده است. با «شکست کمونیسم» از دید آنها، در نقش «ملائی» ممکن در آینده دور تر، تخفیف در درجه مؤفقت پیشگویی نموده باشند.

آینده را باید در «شرایط» بعد از کشته شدن «برادر جبهه بین المللی» و یکی از تمویل کنندگان «سختامند» خود ها، «اوساما بن لادن»، جدیداً برنامه ریزی نمایند. قابل توجه است، که حال پس از قریب ۱۲ سال، یکی از افراد با صلاحیت اتحاد شمال و طرف مذاکرات با سه گروه دیگر در کنفرانس بن، بنام «یونس قانونی» عضو کابینه های اول و رئیس ولسی جرگه در دوره قبلی از افراد مقرب برهان الدین ربانی، مشترکاً با ضیاء مسعود، برادر امر صاحب احمد شاه مسعود و داماد برهان الدین ربانی، از جمله باشندگان ثروتمند «شیخ نشینی های عرب در خلیج»، زمانی معاون رئیس جمهور، سفیر رژیم اخیر در «مسکو» از زبان هر دو چنین خبر منتشر شده است: «ملی ائتلاف او ملی جبهی حکومت د طالبانو په ملاتړ تورن کر.»

این اظهارات در حالی صورت می گیرد، که با وجود مخالفت های آنها در رابطه با «انجام» مذاکره با «طالبان» اخیراً در فرانسه، دیداری از «ملا های» مختلف، سازمان یافته بود. در عکس نمونه های «طالب» هم از زندانی

«گوانتانامو» تا فعالین مختلف، بچشم می خورند. ملای با لنگی سیاه، در عقب میز، ملا عبدالسلام ضعیف نامیده می شود. او الی آخرین ماه های حاکمیت «طالبان» در مقام «سفیر» حکومت «طالبان» در اسلام آباد ایفای وظیفه می نمود. یکی از اظهارات صریح او که تا آن زمان از ترجمان (بزبان انگلیسی) استفاده می نمود، در رابطه با اخبار مقدماتی در مورد «ورود قوای امریکا» به خاک افغانستان گفت: «جنگ حقیقی وقتی آغاز می یابد، که قوای خارجی در خاک افغانستان پیاده شوند.» اینرا هم بیاد داریم که در مدت، حدود کمتر از پنج سال حاکمیت «طالبان» عمدتاً تحت رهبری «ملا های»، پیرو «مولوی محمد نبی محمدی»، رهبر «حرکت انقلاب اسلامی»، که در زمان «جنگ علیه قوای شوروی» و «حکومت چپی تحت حمایت» آنها، در صف سه گروپ «معتدل» یاد می شد، فقط سه کشور چون عربستان سعودی، «امارات عربی متحد» و «جمهوری اسلامی پاکستان» برسمیت می شناختند و با همان سه کشور، روابط به سطح «سفارت» برقرار نموده بودند. در مرحله اول، عربستان سعودی و امارات عربی



متحد قطع رابطه نمودند. پاکستان «جنرال مشرف» تا آخرین لحظات، روابط رسمی را با «طالبان» حفظ داشت. وقتی، پاکستان «به ظاهر» پیوست خود را با مشی «ضد تروریسم» اعلان داشت، و حاکمیت «طالبان» در ظرف چند روز، کاملاً سقوط کرد، ملا عبدالسلام، آخرین سفیر «طالبان» در پاکستان، تقاضای «پناهندگی» سیاسی نمود. «پناهندگی» سیاسی او نه تنها پذیرفته نشد، بلکه مأموران امریکائی او را بازداشت و به «جزیره کیوبائی گوانتانامو» انتقال داد، پس از رهائی از زندان «گوانتانامو» دوباره به کابل آورده شد. درین زمان، زبان انگلیسی آموخته بود، کتابی نوشت، که خبر نشر «ترجمه» آن، بزبان «فرانسوی» انتشار یافت. اخیراً از کابل به «قطر» نقل مکان نموده بود که در «جلسه پاریس» در دیدار با گروپ مقابل دیده می شود. ملا های طالبان که قریب ده سال بدشواری، عکس های آنها را می توان یافت، درین مرحله چنان علاقمند به نمایش عکس اند، که در مقالات به مشکل معرفی آنها گنجایش می یابد.

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ